

مهندسی مجدد فرآیندها با رویکرد شبیه‌سازی

مطالعه موردی: (شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران)

جعفر محمودی^{۱*}، غلامرضا بدایقی^۲

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد مهندسی صنایع دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۵/۲۲

دریافت: ۸۹/۵/۲۷

چکیده

امروزه مهندسی مجدد به یکی از پرطرفدارترین و محبوب‌ترین روش‌های مدیریتی تبدیل شده است. علی‌رغم استفاده روزافزون سازمان‌ها و کارخانجات مختلف از طرح‌های مهندسی مجدد فرآیندهای کسب‌وکار جهت بهبود عملکرد خود، آمارها نشان از شکست حدود ۷۰-۸۰ درصد این طرح‌ها است. نبود یک رویکرد و نگرش متدولوژیکی مناسب و نیز استفاده از ابزارها و روش‌های نامناسب برای اجرای چنین طرح‌هایی از دلایل عمده مطرح شده برای این شکست‌ها و ناکامی‌ها می‌باشند. با بررسی روش‌های مختلف به‌کاررفته برای مهندسی مجدد، شبیه‌سازی یکی از مناسب‌ترین روش‌های آن معرفی شده است.

کتینجر و همکارانش، تعداد ۲۵ متدولوژی و رویکرد مهندسی مجدد را بررسی کرده و با یک رویکرد استقرایی، متدولوژی جامعی را در قالب ((مرحله - فعالیت)) برای مهندسی مجدد فرآیندهای کسب‌وکار به‌دست آورده‌اند. در این مقاله براساس روش تحقیق استفاده‌شده آن‌ها و با استفاده از ۵۱ متدولوژی و رویکرد جدید مهندسی مجدد و نیز ۲۴ متدولوژی و رویکرد شبیه‌سازی گردآوری شده، متدولوژی جامع ترکیبی توسعه‌یافته برای مهندسی مجدد فرآیندها با استفاده از شبیه‌سازی ارائه می‌شود. برای آزمون و اصلاح متدولوژی توسعه یافته در عرصه عمل، متدولوژی به‌دست آمده در مهندسی مجدد فرآیند امور سازمانی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران مورد استفاده قرار گرفت. نخست مدل وضعیت موجود فرآیند با استفاده از ابزار مدلسازی BPMN ترسیم و با استفاده از نرم‌افزار شبیه‌سازی Simprocess شبیه‌سازی و با استفاده از آزمون‌های آماری اعتبار آن ارزیابی شد. سپس چندین طرح مهندسی مجدد پیشنهاد و شبیه‌سازی و با استفاده از روش AHP این طرح‌ها ارزیابی شدند.

کلیدواژه‌ها: فرآیندهای کسب‌وکار، مهندسی مجدد، شبیه‌سازی، متدولوژی.



۱- مقدمه

مهندسی مجدد مشهورترین و جنجال برانگیزترین نظریه مدیریتی در طول سال‌های اخیر بوده است. مهندسی مجدد، اصل مشهور و چند صد ساله تقسیم کار آدام اسمیت را به‌آسانی نقض کرد. مباحث بسیاری پیش از سال ۱۹۹۱ در خصوص بازسازی سازمان و مدیریت مطرح بودند، از قبیل بهبود سازمانی، مدیریت تغییر، کایزن، مدیریت کیفیت فراگیر، نوآوری و ... که مدیران و نظریه‌پردازان مدیریت را به خود مشغول کرده بودند. اما آنچه که مهندسی مجدد را از دیگر روش‌های مدیریتی پیش از خود متمایز ساخت و آن را به‌عنوان یک تئوری انقلابی در سازمان‌ها و مباحث مدیریتی مطرح کرد، شیوه بدیع مهندسی مجدد بود که براساس بررسی و اصلاح فرآیند طرح‌ریزی می‌شد [۱]. با وجودی که سازمان‌های زیادی از مهندسی مجدد فرآیندهای کسب‌وکار (BPR) برای بهبود عملکرد خود استفاده می‌کنند، با این حال آمارها نشان می‌دهد که در حدود ۷۰-۸۰ درصد این طرح‌ها با شکست مواجه شده و ناتمام باقی می‌مانند. تحقیقات زیادی برای توجیه و یافتن دلایل این شکست‌ها صورت گرفته است [۲]. با بررسی و جمع‌بندی دلایل و نظریات مطرح شده به‌وسیله صاحب‌نظران مختلف، دو دسته عوامل زیر را می‌توان پیرامون دلایل عدم موفقیت طرح‌های مهندسی مجدد مطرح کرد:

۱) فقدان یک رویکرد و نگرش متدولوژیکی مناسب، به‌عنوان راه‌حلی برای مهندسی مجدد فرآیندهای کسب و کار

۲) استفاده از ابزارها و روش‌های نامناسب برای اجرای طرح مهندسی مجدد

بنابراین برای غلبه بر این نارسایی‌ها باید نخست متدولوژی مناسبی را برای BPR توسعه داد و دوم از روش‌های موفق و مناسبی در اجرای طرح‌های مهندسی مجدد استفاده کرد. یکی از دلایل عمده شکست طرح‌های مهندسی مجدد، استفاده از ابزارها و روش‌های نامناسب در اجرای این طرح‌ها می‌باشد، همان طوری که محمودی و توکلی [۲] به تفصیل در این مورد بحث کرده‌اند، ابزارهای تحلیلی توان پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های طرح‌های مهندسی مجدد را ندارند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که از شیوه‌سازی به‌عنوان راه حل مناسبی برای مهندسی مجدد استفاده شود.

در سال ۱۹۹۷، کتینجر و همکارانش [۳، صص ۵۵-۸۰] در طرحی بسیار ارزشمند، تعداد ۲۵ متدولوژی و رویکرد مهندسی مجدد را که در آن زمان موجود بود، بررسی کرده و با یک رویکرد استقرایی، متدولوژی جامعی را در قالب ((مرحله-فعالیت)) برای مهندسی مجدد فرآیندهای کسب‌وکار به‌دست آورده‌اند.

در این مقاله براساس روش تحقیق استفاده شده کتینجر و همکارانش [۳، صص ۵۵-۸۰] با استفاده از ۵۱ متدولوژی و رویکرد جدید مهندسی مجدد و نیز ۲۴ متدولوژی و رویکرد شبیه‌سازی گردآوری شده، متدولوژی ترکیبی برای مهندسی مجدد فرآیندها با استفاده از شبیه‌سازی فرآیندی توسعه داده شد. در مرحله نخست، متدولوژی ترکیبی جدیدی براساس رویکردی استقرایی از ۵۱ متدولوژی و رویکرد مهندسی مجدد توسعه پیدا کرد. در مرحله بعدی به طریق مشابه و براساس ۲۴ متدولوژی و رویکرد شبیه‌سازی گردآوری شده، متدولوژی ترکیبی برای شبیه‌سازی فرآیندها حاصل شد. در نهایت با تلفیق این دو متدولوژی، متدولوژی جامع ترکیبی برای مهندسی مجدد فرآیندها با استفاده از روش شبیه‌سازی حاصل شد. برای بررسی و آزمون متدولوژی توسعه یافته در میدان عمل، متدولوژی به‌دست آمده در یک مطالعه موردی- که یکی از فرآیندهای شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران می‌باشد- مورد آزمون قرار گرفت. فرآیند مذکور با استفاده از این متدولوژی مهندسی مجدد شد و در عین حال نقایص متدولوژی مورد اصلاح قرار گرفت.

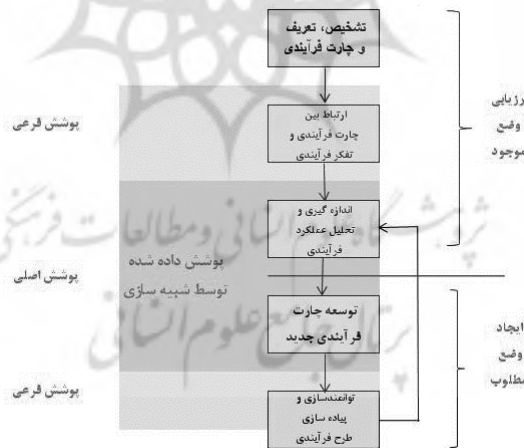
۲- اهمیت و نقش شبیه‌سازی در طرح‌های مهندسی مجدد

یکی از جامع‌ترین تعاریف پیرامون شبیه‌سازی، در سال ۱۹۷۵ به‌وسیله شانون ارائه شد. براساس این تعریف، شبیه‌سازی عبارت است از: طراحی مدلی از یک سیستم واقعی و انجام آزمایش‌هایی با این مدل که با هدف پی بردن به رفتار سیستم یا ارزیابی استراتژی‌های گوناگون برای عملیات سیستم صورت می‌گیرد [۴]. مهم‌ترین تأثیر شبیه‌سازی عبارت است از تحلیل عملکرد و طراحی فرآیندهای جدید. بنابراین شبیه‌سازی پلی است بین شکاف ارزیابی فرآیند موجود و طراحی فرآیند جدید [۵]. شبیه‌سازی می‌تواند توانایی‌های زیادی را برای طرح‌های مهندسی مجدد به ارمغان بیاورد، در مقابل، BPR نیز می‌تواند چارچوبی را برای انجام شبیه‌سازی فراهم کند شبیه‌سازی و BPR دارای برخی ویژگی‌های مشترک‌اند، برای مثال هر دو آن‌ها اصول مشترکی را برای تحلیل نمودار فرآیندی- که نمایانگر روابط موجود در بین فعالیت‌های یک فرآیند است، به‌کار می‌برند [۶، صص ۴۰۸-۴۲۰]. شبیه‌سازی به مجریان کمک می‌کند تا یک چشم‌انداز فرآیندی داشته باشند، نتایج فرآیندی را درک کنند و تعاملات را با دیگر فرآیندها منعکس کنند. بنابراین شبیه‌سازی تأثیر کاتالیستی دارد: شبیه‌سازی ارتباطات و راهنمایی‌های مجدد افراد را به سوی اهداف خیلی مهم تسهیل می‌کند [۵]. مدل‌های شبیه‌سازی کامپیوتری به‌طور کلی در سطح نظارتی طرح‌های مهندسی مجدد به‌کار گرفته شده‌اند. مدل‌های



شبیه‌سازی در مدلسازی سیستم‌ها با هدف شناسایی فعالیت‌های با ارزش افزوده و بدون ارزش افزوده مفید به کار می‌روند. تغییرات می‌توانند برای حذف فعالیت‌های غیر ارزش افزوده و با هدف ایجاد ارزش و ثروت برای مشتری به کار رود [۷، صص ۲۵۲۱-۲۵۴۶]. مدل‌های فرآیندی پویا امکان تحلیل سناریوهای فرآیندی جایگزین به‌وسیله شبیه‌سازی و با استفاده از معیارهای فرآیندی کمی مانند هزینه، چرخه زمانی، توانایی خدمت‌رسانی و استفاده از منابع را فراهم می‌کنند. این معیارها براساس ارزیابی گزینه‌ها و انتخاب بهترین سناریوها در اجرا استوارند [۷]. با معرفی پارامترهای پویای فرآیندی مانند زمان‌ها، ظرفیت‌ها و کیفیت، اصولاً شبیه‌سازی کارایی تحلیل عملکرد فرآیندی را افزایش می‌دهد. شبیه‌سازی، تصویر بهتری از گلوگاه‌ها، زمان‌های تحویل و عملکرد پویا را نسبت به تحلیل ایستا (مانند فلوجارت‌ها) ارائه می‌دهد [۵].

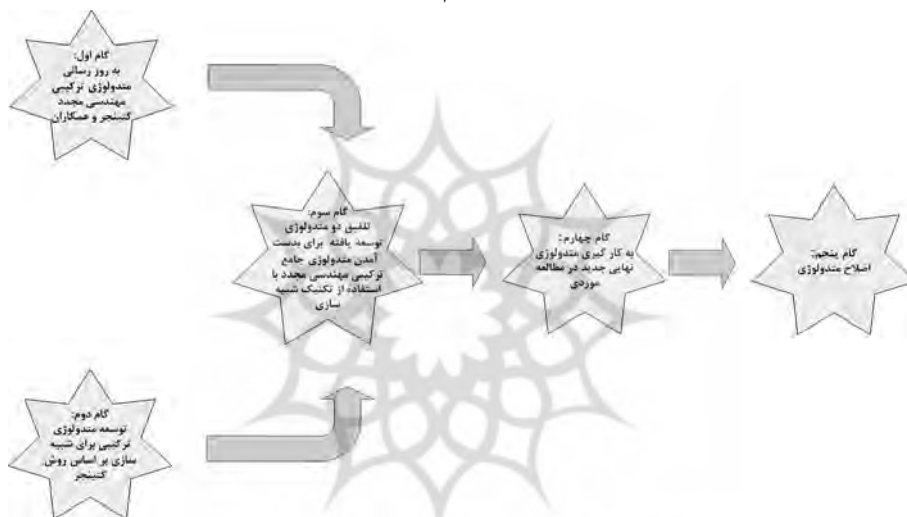
استفاده از شبیه‌سازی نه فقط طراحی وضعیت مطلوب را قبل از آن‌که منابع بتوانند مصرف شوند، پیش‌بینی می‌کند، همچنین از آن در ایجاد مدلی برای وضعیت موجود به‌منظور شناخت فرآیند و اندازه‌گیری تغییراتی که در اندازه‌گیری عملکرد شاخص‌های کلیدی اتفاق می‌افتند، استفاده می‌شود [۶، صص ۴۰۸-۴۲۰]. شکل ۱ نحوه پوشش مراحل مختلف طرح‌های مهندسی مجدد به‌وسیله شبیه‌سازی را نشان می‌دهد.



شکل ۱ نحوه پوشش فازهای مختلف طرح‌های مهندسی مجدد به‌وسیله شبیه‌سازی [۸]

۳- متدولوژی توسعه یافته برای مهندسی مجدد با استفاده از شبیه‌سازی

کتینجر و همکارانش [۳، صص ۵۵-۸۰] در سال ۱۹۹۷ با استفاده از یک رویکرد استقرایی، ۲۵ متدولوژی مهندسی مجدد را تجزیه و تحلیل کرده و با استقرا از آن‌ها متدولوژی جامعی را در قالب ((مرحله - فعالیت)) توسعه دادند. با توجه به ماهیت جامع و فراگیر روش تحقیق آن‌ها، با اساس قراردادن این روش تحقیق از آن در جهت رسیدن به متدولوژی ترکیبی برای مهندسی مجدد فرآیندهای کسب‌وکار با استفاده از روش شبیه‌سازی استفاده شد. به این منظور ۴ مرحله طراحی شد که در شکل ۲ ترسیم شده‌اند.



شکل ۲ مراحل روش تحقیق توسعه متدولوژی

۳-۱- گام اول (به‌روزرسانی متدولوژی ترکیبی مهندسی مجدد کتینجر و همکاران)

در مرحله اول با توجه به این‌که متدولوژی کتینجر و همکارانش مربوط به سال ۱۹۹۷ بوده و بعد از آن متدولوژی‌ها و رویکردهای جدیدتری ارائه شده‌اند، با بررسی ادبیات و مقالات مختلف، تعداد ۵۱ متدولوژی و رویکرد جدید مهندسی مجدد شناسایی و براساس روش تحقیق کتینجر و همکارانش، متدولوژی ترکیبی آن‌ها به‌روز رسانی شد. فعالیت‌های متدولوژیهای جدید در جداولی تجزیه، طبقه‌بندی و ترسیم شدند. در این روند، مراحل و فعالیت‌های مشابه ادغام یا حذف شدند. همچنین فعالیت‌ها و مراحل که دارای بیش‌ترین تکرار و فراوانی در جدول بودند،



بیشتر مورد توجه و اهمیت قرار گرفتند. فعالیت‌ها و مراحل که فراوانی کمتر داشته و اهمیت کمتری در آن دیده می‌شد، کنار گذاشته شدند. بنابراین به تعدادی از مراحل و فعالیت‌هایی رسیدیم که باید در متدولوژی کتینجر لحاظ می‌شدند. این متدولوژی‌ها در منابع [۹:۱۰:۱۱:۱۲:۱۳، صص ۵۱-۵۷؛ ۱۴:۱۵:۱۶، صص ۳۴۷-۳۷۴:۱۷، صص ۱۰۷-۱۲۱:۱۸:۱۹، صص ۱۹-۴۱:۲۰، صص ۶۸۷-۷۰۶:۲۱، صص ۲۸-۴۶:۲۲، صص ۱۹-۴۱:۲۳:۲۴، صص ۲۳۸-۲۵۰:۲۵:۲۶:۲۷، صص ۹۷۸-۹۸۸:۲۸، صص ۵۵-۸۰:۲۹] از این مقاله موجود هستند (شایان ذکر است برخی از منابع حاوی بیش از یک متدولوژی می‌باشند).

۳-۲- گام دوم (توسعه متدولوژی ترکیبی برای شبیه‌سازی براساس روش کتینجر)

در گام دوم با بررسی ادبیات و مقالات مختلف و نیز بررسی متدولوژی‌های استفاده‌شده چند شرکت معتبر و معروف بین‌المللی که در زمینه شبیه‌سازی فرآیندهای کسب‌وکار طرح‌های زیادی را به انجام رسانده‌اند، تعداد ۲۴ متدولوژی، رویکرد و الگوریتم شبیه‌سازی شناسایی و براساس روش تحقیق کتینجر و همکارانش متدولوژی ترکیبی برای شبیه‌سازی فرآیندهای کسب‌وکار توسعه یافت. این متدولوژی‌ها در منابع [۹:۳۰:۳۱:۳۲:۳۳، صص ۶۴-۷۳:۳۴، صص ۳۵۱-۳۵۸:۳۵، صص ۴۸۱-۴۹۴:۳۶، صص ۲۲-۳۶:۳۷، صص ۵۲۷-۵۴۲:۳۸، صص ۱۶۷-۱۸۶:۳۹، صص ۱۰۴-۱۳۲:۴۰، صص ۱۰۲۸-۱۰۶۵:۴۱، صص ۸۴-۱۰۳:۴۲، صص ۹۷۸-۹۸۸:۴۳] از این مقاله موجود هستند.

۳-۳- مرحله سوم (تلفیق دو متدولوژی توسعه‌یافته برای به‌دست آمدن متدولوژی

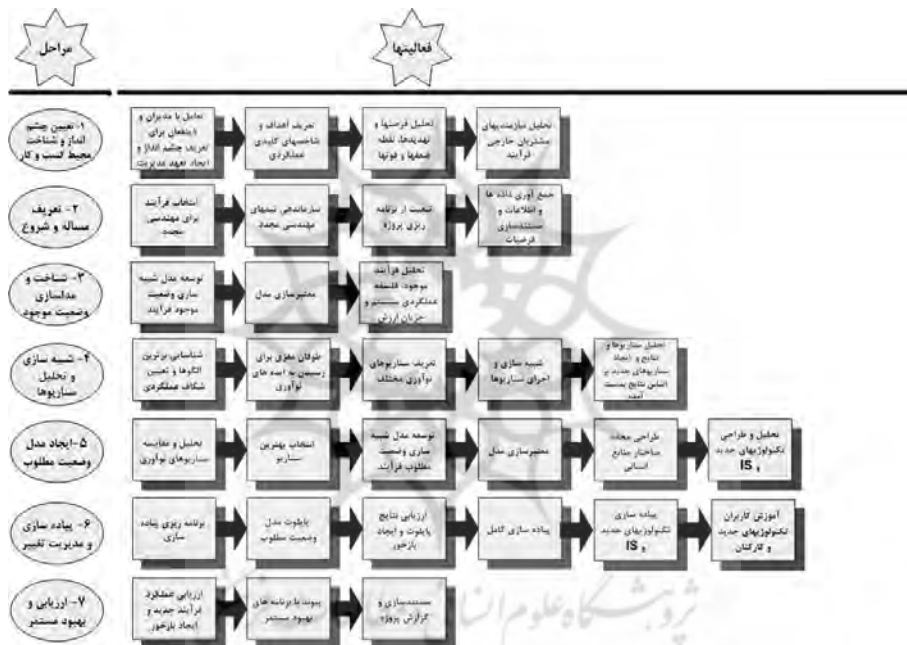
جامع ترکیبی مهندسی مجدد با استفاده از روش شبیه‌سازی)

در مرحله سوم، دو متدولوژی توسعه یافته برای مهندسی مجدد و شبیه‌سازی با هم تلفیق شدند (با پیروی از رویکرد کتینجر و همکارانش).

۳-۴- گام چهارم و پنجم (اصلاح متدولوژی توسعه‌یافته)

از آن جایی که هدف اصلی از ارائه هر متدولوژی کاربرد آن در عمل می‌باشد، متدولوژی به‌دست آمده در عمل و برای مهندسی مجدد فرآیند امور سازمانی شرکت پالایش و پخش، مورد استفاده و بررسی قرار گرفت. نتایج و نحوه اجرای آن به‌طور اجمال در ادامه مقاله

تشریح خواهد شد. زمان به‌کارگیری متدولوژی توسعه‌یافته در مطالعه موردی، تعداد ۲ مورد از فعالیت‌ها مشابه تشخیص داده شد؛ به‌عبارت دیگر مفهوم ۲ فعالیت موجود در متدولوژی توسعه‌یافته با مفهوم ۲ فعالیت دیگر آن مشابه تشخیص داده شد که در نتیجه ۲ مورد غیر ضروری آن‌ها از متدولوژی حذف و تعداد فعالیت‌های متدولوژی به ۳۱ فعالیت تقلیل یافت ولی تعداد مراحل آن همان ۷ مرحله باقی ماند. مدل نهایی و اصلاح‌شده متدولوژی جامع ترکیبی به‌دست آمده در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳ متدولوژی جامع ترکیبی برای مهندسی مجدد با استفاده از روش شبیه‌سازی



۴- مهندسی مجدد فرآیند امور سازمانی با استفاده از متدولوژی

توسعه یافته

امور سازمانی یکی از بخش‌های مهم و کلیدی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران محسوب می‌شود که دارای وظیفه سازمان‌دهی شرکت‌های اصلی و تابعه پالایش و پخش می‌باشد. این امور دو زیر فرآیند اصلی دارد: ۱- مهندسی صنایع؛ ۲- ارزیابی و طبقه‌بندی مشاغل؛ ۳- واحد پشتیبانی‌کننده اطلاعات مدیریتی (MIS) نیز فعالیت‌ها و ارتباطات بین زیرفرآیندهای اصلی و نیز با محیط خارجی فرآیند را هماهنگ می‌کند.

گردش کاری کند و با کیفیت پایین و نیز نقایص و کمبودهای ساختاری از مشکلات اصلی زیرفرآیندهای وضعیت موجود فرآیند امور سازمانی بود که برای دریافت سریع‌تر و با کیفیت‌تر خدمات به‌وسیله مشتریان فرآیند (ستاد پالایش و پخش و شرکت‌های تابع آن) طرح مهندسی مجدد این فرآیند انجام پذیرفت تا از طریق آن گلوگاه‌ها حذف و هزینه‌های اجرایی کل فرآیند کاهش پیدا کند. فرض‌های در نظر گرفته شده در اجرای این طرح عبارتند از:

- مدیریت خواهان حفظ تمام کارکنان خود بوده و هیچ‌گونه تعدیل یا افزایش نیروی انسانی مجاز نیست و فقط سمت سازمانی آن‌ها در چارت سازمانی می‌تواند جابه‌جا شود.
- طرح تا مرحله طراحی و ایجاد مدل وضعیت مطلوب می‌باشد و مراحل پیاده‌سازی و مدیریت تغییر و نیز ارزیابی و بهبود مستمر در تعریف طرح‌ها قرار ندارند.
- چشم‌انداز تعریف شده برای انجام طرح عبارت است از ((تبدیل‌شدن به یک فرآیند یکپارچه و هماهنگ که در آن با استفاده از حداکثر میزان اتوماسیون، سرعت انجام کارها و زمان دوره پردازش درخواست‌های مشتریان سازمانی حداقل به نصف کاهش یابد)). شاخص اصلی تعریف شده برای بهبود چنین می‌باشد:

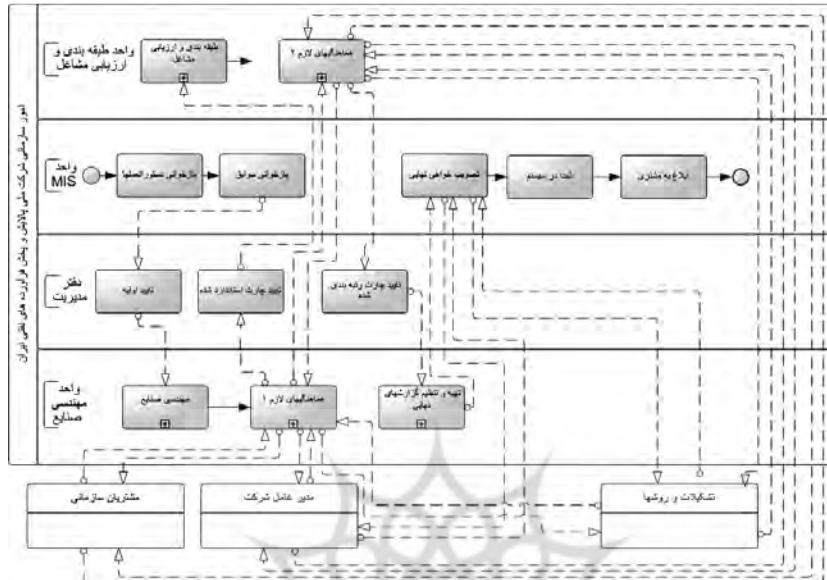
تعداد کل پردازش درخواستهای مشتریان

= شاخص بهبود

کل طول مدت زمان شبیه‌سازی

۵- توسعه مدل شبیه‌سازی وضعیت موجود فرآیند امور سازمانی

نمودار مدل مفهومی وضع موجود فرآیند امور سازمانی با استفاده از نرم‌افزار SA (System Architect) و با استفاده از ابزار مدل‌سازی BPMN ترسیم شد که نمودار سطح ۱ آن در شکل ۴ ارائه شده است.

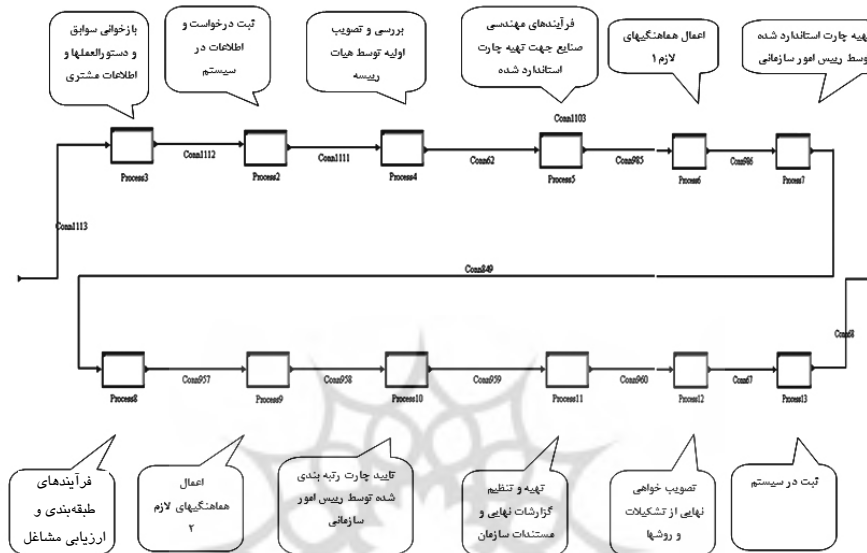


شکل ۴ نمودار BPMN سطح یک فرآیند امور سازمانی شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران

موجودیت (نهاد) ورودی اصلی در این مدل، درخواست‌های سازمانی مشتریان فرآیند می‌باشد که به وسیله موجودیت DARKHAST در مدل شبیه‌سازی تعریف شده است. بعد از ورود این موجودیت از جانب مشتریان سازمانی به فرآیند امور سازمانی، در آغاز زیر فرآیند سوابق، دستورالعمل‌ها و اطلاعات مشتریان، اطلاعات مربوط به دستورالعمل‌ها و ابلاغی‌های تشکیلات و روش‌ها و نیز سوابق سازمانی موجود مشتری، مورد بازخوانی قرار می‌گیرند و تمام این اطلاعات با هم جمع شده و به صورت یک پرونده وارد سیستم می‌شوند. از آن جایی که هر سه این موجودیت‌ها با هم دسته‌بندی شده و وارد سیستم می‌شوند و تا پایان مراحل پردازش به وسیله زیرفرآیندها و فعالیت‌ها در یک دسته قرار دارند، بنابراین از فعالیت از نوع Assemble استفاده شده است تا بدون این‌که ماهیت این موجودیت‌ها عوض شود، هر سه با هم دسته‌بندی شده و در قالب موجودیت جدیدی به نام INFORMATION برای پردازش وارد سیستم گردند و زیرفرآیندهای اصلی (از قبیل مهندسی صنایع و طبقه‌بندی و ارزیابی مشاوران) بر روی آن‌ها صورت گیرد. مدل شبیه‌سازی سطح ۱ فرآیند امور سازمانی در شکل ۵، خصوصیات کلی مدل وضع موجود در



جدول ۱ و نیز انواع موجودیت‌های به‌کار رفته در مدل شبیه‌سازی جدول ۲ ترسیم شده‌اند.



شکل ۵ مدل شبیه‌سازی سطح ۱ فرآیند امور سازمانی

جدول ۱ خصوصیات کلی مدل وضع موجود

متغیرهای حالت	پیشامدها	فعالیتها	خصیصه ها	منابع	موجودیت‌انهادها	سیستم
تعداد درخواستهای در انتظار پردازش تعداد منابع انسانی بیکار و آزاد زمان ورود درخواست بعدی	رسیدن درخواست جدید	بررسی و پردازش درخواستهای سازمانی	سرعت، ظرفیت پردازش	پرستار دیارنعمان امور سازمانی	درخواستهای سازمانی	امور سازمانی پالایش و پخش

جدول ۲ انواع موجودیت‌های به‌کار رفته در مدل شبیه‌سازی

نام موجودیت	شرح موجودیت
DARKHAST	درخواستهای سازمانی مشتریان
SAVABEG	سوابق سازمانی مشتری
DASTOROLAMAL	دستورالعملها
INFORMATION	موجودیت دسته بندی شده (assemble) از ۳ موجودیت فوق
TRIGER	موجودیت راه انداز

موجودیت Trigger یک موجودیت مجازی و دارای توزیع وابسته (به متغیر INFORMATION) است، زمانی که موجودیت INFORMATION به نقطه سفارش‌دهی می‌رسد، موجودیت راه‌انداز تولید و برای فراهم ساختن اجازه ورود موجودیت جدید به سیستم، وارد فعالیت Assemble می‌شود.

متغیرهای SAVABEG و DASTOROLAMAL نیز از خود توزیع آماری مستقلی ندارند و زمان تولید آن‌ها وابسته به متغیر مستقل DARKHAST می‌باشند. از آن جایی که همواره سوابق سازمانی مشتریان و نیز دستورالعمل‌های تشکیلات و روش‌ها همواره در سیستم وجود دارند و هر لحظه‌ای که موجودیت DARKHAST بخواند وارد سیستم شود، در همان لحظه قابل دسترسی‌اند و می‌توانند با آن دسته‌بندی شده و با هم وارد سیستم شوند. در مدل شبیه‌سازی برای توزیع این دو متغیر وابسته نیز از آن جایی که همواره در دسترس‌اند و منبعی را مشغول نمی‌کنند و نیز با توجه به این‌که زمان ورود درخواست‌ها طولانی‌تر از ۱ ماه است، توزیع ثابت ۱ موجودیت در هر ماه در نظر گرفته شده است تا همواره به محض ورود موجودیت DARKHAST، در دسترس بوده و با آن دسته‌بندی شوند.

همان طوری که گفته شد، موجودیت INFORMATION نیز از دسته‌بندی موجودیت‌های DARKHAST, DASTOROLAMAL, SAVABEG در فعالیت ASSEMBLE حاصل می‌شود که با رسیدن موجودیت راه‌انداز TRIGGER، آزاد می‌شود.

نرم‌افزار Simprocess دارای ابزاری به نام EXPERFIT است که وظیفه آن یافتن بهتری برازش برای توزیع آماری داده‌های آماری جهت استفاده در مدل شبیه‌سازی می‌باشد. این نرم‌افزار دارای ۲۵ توزیع آماری است و به طور اتوماتیک پس از وارد کردن داده‌ها، بهترین توزیع را برازش و مرتب می‌کند. همچنین این ابزار امتیازی را نیز به هر کدام از توزیع‌ها برحسب داده‌های وارد شده تخصیص می‌دهد که از ۰ تا ۱۰۰ تغییر می‌کند. حداقل تعداد داده‌ها برای ارائه توزیع مناسب ۱۰ داده می‌باشد.

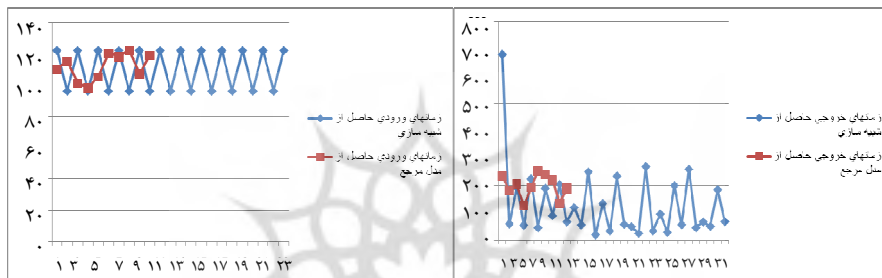
تنها موجودیت مستقل مدل، موجودیت DARKHAST است که مربوط به زمان ورود درخواست‌های سازمانی مشتریان می‌باشد. سایر موجودیت‌ها وابسته به این موجودیت می‌باشند. برای یافتن توزیع آماری زمان ورود این موجودیت به مدل، از سوابق و بایگانی‌های موجود، تعداد ۱۰ درخواست سازمانی پیاپی از انواع مختلف مشتریان سازمانی فرآیند امور سازمانی استخراج و بررسی شد و فاصله زمانی بین آن‌ها محاسبه و برای یافتن بهترین توزیع مناسب، وارد نرم‌افزار EXPERFIT شد. در نهایت بهترین توزیع مناسب چنین به دست آمد.

Johnson SB(lower endpoint:96.93470, Upper endpoint:122.26396, Shape 1: -0.26123, Shape 2: 0.44944)



امتیاز تخصیص داده شده برای آن نیز ۱۰۰ بوده و براساس آزمون اندرسن دارلینگ صورت گرفته است تا سطح معناداری ۰/۲۵۰ و براساس آزمون کلموگروف-اسمیرنف نیز تا سطح معناداری ۰/۱۵۰ معتبر می‌باشد.

بعد از اجرای مدل شبیه‌سازی، زمان‌های حاصل از شروع و اتمام پردازش این درخواست‌ها در مدل شبیه‌سازی نیز محاسبه شده و در شکل ۶ ترسیم شده‌اند. طول مدت زمان شبیه‌سازی برای این طرح، ۱۴ سال از تاریخ ۲۰۰۸/۱/۱ تا ۲۰۲۲/۱/۱ انتخاب شده است که در کل شامل ۵۱۱۴ روز می‌باشد.



شکل ۶ ترسیم زمان‌های ورودی و خروجی مدل مرجع امور سازمانی با زمان‌های موجودیت ورودی در مدل شبیه‌سازی

۶- معتبرسازی مدل شبیه‌سازی

هر کدام از مراحل برای رسیدن به مدل شبیه‌سازی با همکاری، هم‌فکری، تعامل و تأیید با خبرگان امر در فرآیند امور سازمانی به‌خصوص هیأت رئیسه محترم صورت پذیرفت که هر کدام از آن‌ها دارای تجربه‌ای قریب به ۳۰ سال در این فرآیند داشته‌اند.

۶-۱- آزمون‌های قضاوتی [۱۰، صص ۴۵۷-۴۶۸]

در آزمون‌های قضاوتی افرادی که در مورد یک یا چند جنبه از سیستم صاحب تخصص هستند نظرات خود را در مورد مدل شبیه‌سازی و رفتار آن می‌دهند. در این طرح برای آزمون‌های قضاوتی از روش‌های مختلفی زیراستفاده شد:

الف- بررسی داده‌های ورودی؛

ب- آزمون حالات حدی؛

ج) ردیابی قدم به قدم مدل.

ردیابی (trace) در مدل به معنای دنبال کردن اجرای گام به گام مدل می‌باشد؛ به طوری که باید منطق اجرای مدل را در هر گام چک کرد تا از صحت منطق اجرای آن اطمینان حاصل شود. نرم‌افزار Simprocess دارای ابزار نمایش (Animation) است که به‌دین منظور در نظر گرفته شده است. در این طرح مدل شبیه‌سازی با حداقل سرعت (۱ از ۱۰۰) و با حالت انیمیشن اجرا شد و آزمون ریابی قدم به قدم روی مدل صورت گرفت. با عبور هر موجودیت از تک تک عناصر مدل، نرم‌افزار گزارشی از رویدادهای هر لحظه را گزارش می‌دهد. با بررسی این رویدادها در هر مرحله می‌توان منطق مدل را در تمامی عناصر موجود در مدل چک کرد.

۶-۲- آزمون‌های عینی [۱۱]

آزمون‌های عینی به مقایسه بین داده‌های رفتار واقعی سیستم و داده‌های متناظر تولید شده به‌وسیله مدل شبیه‌سازی می‌پردازند. درواقع این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد که شبیه‌سازی باید به مقدار کافی درست باشد که بتواند پیشگویی خوبی را زمانی که داده‌های ورودی همان داده‌های واقعی هستند، ایجاد کند. در این طرح خروجی نتایج حاصل از شبیه‌سازی با داده‌های حاصل از پیشینه سیستم واقعی که ۱۰ مورد از آنها در دسترس بوده و بررسی شده است، مقایسه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در محیط نرم افزار Minitab نخست با استفاده از آزمون F مشخص شد که واریانس‌های دو جامعه یکسان نیستند. سپس در سطح اطمینان ۹۵ درصد با علم به عدم تساوی واریانس‌ها روی داده‌های نمونه واقعی و مدل شبیه‌سازی با این فرض صفر که میانگین هر دو جامعه با هم مساوی‌اند، آزمون t مستقل انجام گرفت و با توجه به این‌که مقدار $P=0/798$ به‌دست آمده و مقدار $P \geq 0/05$ مقدار قابل قبولی تلقی می‌شود، از این رو فرض صفر با سطح معناداری $P=0/798$ مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ به این معنا که میانگین دو جامعه (داده‌های حاصل از شبیه‌سازی و داده‌های واقعی) با هم برابر است.

در ادامه آزمون اندرسون-دارلینگ برای بررسی نرمال بودن صورت گرفت. براساس این آزمون مقدار $P\text{-value}=0/000$ محاسبه شد. سپس با توجه به این‌که مقدار $P \leq 0/05$ ، لذا جامعه مورد نظر اختلاف آشکاری با جامعه نرمال دارد. در این گونه موارد بسیاری از دانشمندان علم آمار از قبیل Triola در کتاب خود با عنوان (آمار کاربردی) توصیه می‌کنند که از روش‌های ناپارامتری در این مواقع استفاده شد. به همین دلیل در این مورد از "آزمون U"



یا همان من- ویتنی با فرض صفر یکسان بودن جامعه هر دو نمونه و در سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد. با توجه به این که مقدار $P=0/1735$ به دست آمده و مقدار $P \geq 0/05$ مقدار قابل قبولی می باشد، از این رو فرض صفر با سطح معنی داری $P=0/1735$ مورد تایید قرار می گیرد. و مشخص گردید که این دو جامعه در $\alpha=0/5$ ، با سطح معناداری $0/1735$ ، از یک جامعه یکسان هستند؛ به این معنا که توزیع دو جامعه (داده های حاصل از شبیه سازی و داده های واقعی)، با هم منطبق می باشند، پس می توان گفت نتایج حاصل از شبیه سازی با داده های واقعی منطبق می باشند و مدل شبیه سازی وضعیت موجود می تواند برای بررسی وضعیت موجود فرآیند واقعی امور سازمانی به کار گرفته شود.

۷- تعریف و اجرای سناریوها

با اجرای مدل در سناریوی وضعیت موجود (As-IS) و در بازه زمانی شبیه سازی که ۱۴ سال یا به عبارت دیگر ۵۱۱۴ روز انتخاب شده بود، تعداد کل پردازش درخواست های مشتریان ۳۳ شد و ۲ درخواست نیز به صورت نیمه کاره در سیستم باقی ماند.

۷-۱- سناریوی ۱: ادغام دو زیر فرآیند

ادغام دو زیر فرآیند اصلی باعث ۲ تأثیر اساسی در بهبود فرآیند خواهد شد؛ نخست حذف برخی از زیر فرآیندهای زایدی که با هدف هماهنگی و تأیید صورت می گیرند؛ دوم کاهش مدت زمان انجام برخی از فعالیت های باقیمانده در نتیجه دسترسی سریع تر به اطلاعات لازم، کاهش وظایف غیر ضروری و ...

با ادغام این دو زیر فرآیند، سمت سازمانی ۵ نفر از کارکنان از بین می رود و در ادغام با فرآیند دیگر باید به نحوه سازمان دهی آنها دارای اهمیت می باشد. با توجه به این که اکثر فعالیت های اجرایی فرآیند به وسیله رده های پایین سازمان انجام می شود، بنابراین طبیعی است که برای تسریع در روند اجرای فرآیند باید بیشترین تعداد تخصیص این ۵ نفر در رده های پایین انجام شود. بنابراین براساس نتایج حاصل از شبیه سازی در این زمینه و آزمون های سعی و خطا، دو استراتژی کلی تخصیص منابع برای این نیروها مورد توجه و بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل از شبیه سازی آنها در جدول ۳ ارائه می شود.

۱-۱-۷- استراتژی تخصیص منابع ۱-۱-۱-۱-۳-۴

مدل وضعیت موجود فرآیند امور سازمانی از استراتژی ۱-۱-۱-۱-۱ پیروی می‌کند. به این معنا که از ۵ نفری که در نتیجه ادغام دو زیر فرآیند آزاد شده‌اند، در هر کدام از پست‌های کارشناس، کارشناس ارشد، سرپرست طرح و رئیس حوزه، یک نفر وجود داشت. در استراتژی ادغام ۱-۱-۱-۱-۳-۴، ۵ نفری که در نتیجه ادغام دو زیر فرآیند آزاد شده‌اند، ۳ نفر در سمت کارشناس و ۲ نفر در سمت کارشناس ارشد می‌نشینند و با نفرات موجود فرآیند، این تعداد به تعداد ۴ و ۳ می‌رسند. همچنین در پست‌های سرپرست طرح و رئیس حوزه، هیچ نیروی جدیدی اختصاص پیدا نمی‌کند.

۲-۱-۷- استراتژی تخصیص منابع ۱-۱-۲-۳-۳

در این استراتژی نیز از ۵ نفری که در نتیجه ادغام دو زیر فرآیند آزاد شده‌اند، ۲ نفر در سمت کارشناس، ۲ نفر در سمت کارشناس ارشد و ۱ نفر در سمت سرپرست طرح می‌نشینند و با نفرات قبلی نحوه تخصیص نیروهای آن‌ها به فرم ۱-۱-۲-۳-۳ خواهد بود. با در نظر گرفتن استراتژی‌های تخصیص منابع ادغام دو زیر فرآیند در ۲ حالت زیر ادغام آن‌ها شبیه‌سازی شد:

(۱) ادغام دو زیرفرآیند بدون در نظر گرفتن تقلیل زمانی ناشی از ادغام فعالیت‌ها.

(۲) ادغام دو زیرفرآیند با در نظر گرفتن تقلیل زمانی ناشی از ادغام فعالیت‌ها.

۲-۷- سناریوی ۲: ادغام دو زیر فرآیند و مکان‌یابی نقطه بهینه سفارش‌دهی

از مقایسه نتایج حاصل از شبیه‌سازی‌ها (جدول ۳) مشاهده شد که برخلاف همه پیش‌بینی‌ها و انتظارات، با ادغام دو زیرفرآیند، طول مدت زمان اجرای درخواست‌های مشتریان از ۱۵۵ روز به ۱۷۷ روز در سناریوی ۱-۱ و ۱۴۲ روز در سناریوی ۲-۱ تغییر می‌کنند؛ یعنی با ادغام دو زیر فرآیند به جای بهبود و تسریع در روند اجرای فرآیند، سرعت آن کندتر شده است.

با بررسی‌های متعددی که انجام گرفت، روشن شد که مشکل در زمان ورود درخواست جدید به سیستم است؛ به عبارت دیگر وقتی که یک درخواست (موجودیت) مراحل پردازش خود را سپری می‌کند، تعیین نقطه‌ای از مدل که وقتی موجودیت به آنجا می‌رسد، موجودیت جدید وارد سیستم شود، بیش‌ترین تأثیر را در بهبود فرآیند دارد. اگر چنین کاری صورت نگیرد، منابع موجود بیکار بوده و بهره‌وری سیستم بسیار پایین خواهد بود تا حدی که وقتی



ادغام دو فرآیند صورت می‌گیرد، به جای افزایش بهره‌وری و کاهش زمان سیکل فرآیند، زمان آن افزایش پیدا می‌کند و در عوض میزان بیکاری منابع نیز افزایش می‌یابد و نتایج ادغام دو زیر فرآیند به جای این‌که بهتر شود، بدتر می‌شود. به این خاطر تعیین این نقطه که زمان سفارش نامیده می‌شود (و در مدل شبیه‌سازی با Trigger مشخص می‌شود)، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین سناریوی ۲ با مکان‌یابی نقطه بهینه سفارش در سناریوی ۱-ب که در آن دو زیر فرآیند مهندسی صنایع و طبقه‌بندی و ارزیابی مشاغل با هم ادغام شده و مدت زمان انجام برخی فعالیت‌ها کاهش پیدا کرده و برخی از فعالیت‌ها و زیرفرآیندها نیز حذف شده‌اند، تعریف شد. در این سناریو با روش شاخه و کران، نقطه سفارش (Trigger) بین فعالیت‌ها و فرآیندها جابه‌جا و شبیه‌سازی شد. به این ترتیب نتایج به‌دست آمده ارزیابی و بهترین نقطه سفارش‌دهی ورود درخواست جدید مشتری شد.

۷-۳- سناریوی ۳: اتوماسیون

از عواملی که در جلسه‌های طوفان مغزی نیز روی آن تأکید فراوانی شد، اتوماسیون برخی از فعالیت‌ها بود. مهم‌ترین ابزار بهبوددهنده در این روش پیشنهادی، استفاده از تکنولوژی، به‌خصوص تکنولوژی اطلاعات و در نتیجه مهندسی اطلاعات و اتوماسیون فرآیندهای کاری می‌باشد. در این وضعیت تمام دست‌اندرکاران فرآیند با توجه به مسئولیت و حیطه کار خود با استفاده از اینترنت شرکت از پیشرفت فرآیند مطلع می‌باشند و مراحل اجرای فرآیند در آن به نمایش گذاشته می‌شود. همچنین فرآیند براساس اطلاعات موجود یکپارچه‌شده و ردیابی اطلاعات فرآیند و درک وضعیت فرآیند آسان می‌شود. طراحی این فرآیند با استفاده از سیستم‌های BPMS (Business Process Management System) صورت می‌گیرد که از سیستم‌های نرم‌افزاری نوین در اتوماسیون فرآیندهای کسب‌وکار می‌باشد. از مزایای این روش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- با طراحی این سیستم در بیشتر ارتباطات فرآیندی، تمام ارتباطات کاغذی قطع می‌گردد.
- یکی از اهداف استفاده از این تکنولوژی بهبود در فرآیند، از بین بردن گلوگاه‌هایی است که در سیستم وجود دارند.
- از دیگر مزایای این سیستم آن است که امکان نظارت اتوماتیک مدیریت بر فرآیند را امکان‌پذیر می‌سازد.

• با دسترسی مستقیم به اطلاعات به‌وسیله لوازم الکترونیک، دیگر نیازی به کمدهای مملو از اطلاعات و مستندات بایگانی‌شده کاغذی دور از دسترس نیست.

از ویژگی‌های بارز فرآیند امور سازمانی، تقارن و تشابهات بسیار زیاد در بین وظایف و فعالیت‌ها می‌باشد. با استفاده از اتوماسیون و نرم‌افزارهای مناسب برای انجام برخی از فعالیت‌هایی که قابلیت اتوماسیون را دارا می‌باشند، باز هم مدت زمان انجام این فعالیت‌ها کاهش خواهد یافت. برای یافتن این فعالیت‌ها، مصاحبه‌هایی با هیأت رئیسه و خبرگان امور سازمانی و نیز دست‌اندرکارانی این فرآیندها انجام شد و مدت زمانی را که با استفاده از این امر از مدت زمان انجام فعالیت‌ها کاهش خواهد یافت، تخمین و وارد مدل شبیه‌سازی گردید.

براساس سناریوهای قبلی، ۴ حالت نهایی به‌دست آمده (شامل سناریوی وضعیت موجود و سناریوی ادغام دو زیر فرآیند با مکان‌های سفارش‌دهی مختلف و بهینه) برای در نظر گرفتن بررسی تأثیر اتوماسیون انتخاب و کاهش مدت زمان انجام فعالیت‌ها در آن‌ها لحاظ شد.

با مقایسه نتایج حاصل از شبیه‌سازی سناریوهای اتوماسیون شده با نتایج به‌دست آمده قبل از اتوماسیون این سناریوها (جدول ۳) روشن شد که بجز در اتوماسیون وضعیت موجود (AS-IS) - که در آن تعداد پردازش‌ها از ۳۳ به ۵۷ افزایش پیدا می‌کند، در سناریوهای دیگر نتیجه کار برعکس بوده است؛ یعنی با کاهش زمان لازم برای انجام فعالیت‌ها، مدت زمان پردازش کل فرآیند به جای "کاهش"، "افزایش" یافته است.

بررسی‌های زیادی برای یافتن دلیل این امر انجام شد. در نهایت این نتیجه حاصل شد که در این وضعیت یک حالت اشباع شکل گرفته است. از بررسی گزارش‌های اجرای شبیه‌سازی و وضعیت بیکاری و مشغول بودن منابع مختلف، روشن شد که دلیل این امر، درگیر بودن منابع در بخش‌های دیگری از مدل می‌باشد، به طوری که برخی از منابع در فعالیت‌های دیگری تا حدود ۱۰۰ درصد مشغول می‌شوند و از ۱۰۰ درصد ظرفیت آن‌ها در فعالیت دیگری در مدل استفاده می‌شود. بنابراین با وجودی که مدت زمان فعالیتی کاهش پیدا می‌کند، یک یا چند منبعی که برای انجام آن لازم می‌باشند، درگیر فعالیت‌های دیگری در مدل هستند. لذا این فعالیت منتظر آزاد شدن تمام منابع لازم برای انجام وظایف خود می‌شود.



جدول ۳ نتایج شبیه‌سازی و اجرای تمام سناریوها

نوع توزیع منابع		نوع توزیع منابع		نام سناریو	AS-IS
۳-۴-۱-۱		۴-۳-۱-۱			
موجود در سیستم	پرداش شده	موجود در سیستم	پرداش شده		
		۲۲	۲	وسعت موجود (۱-۱-۱-۱)	
۲۹	۲	۲۹	۲	الف) اقدام معمولی بدون اتوماسیون و بدون کاهش زمان ناشی از اقدام فعالیتها، زمان سفارش دهی بعد از فرآیند (اعمال هماهنگیهای لازم) و نیز بعد از فعالیت (تایید جارت رتبه بندی شده توسط رئیس امور سازمانی)	سناریوی ۱
۳۶	۱	۳۶	۱	الف) اقدام معمولی بدون اتوماسیون و با در نظر گرفتن کاهش زمان ناشی از اقدام فعالیتها، زمان سفارش دهی بعد از فرآیند (اعمال هماهنگیهای لازم) و نیز بعد از فعالیت (تایید جارت رتبه بندی شده توسط رئیس امور سازمانی)	سناریوی ۱
۱۸۴	۱۵۷	۱۷۴	۱۶۸	اقدام (بدون اتوماسیون)، نقطه سفارش داخل IE، با زمانهای تقلیل یافته اقدام نقطه سفارش در داخل زیر فرآیند IE_P51 قبل از فعالیت تاخیر (D۲۶۱)	سناریوی ۲
۷۹	۶	—	—	اقدام (بدون اتوماسیون)، نقطه سفارش داخل IE، با زمانهای تقلیل یافته اقدام نقطه سفارش در داخل زیر فرآیند IE_P52 قبل از زیر فرآیند	سناریوی ۲
—	—	۶۲	۷	اقدام (بدون اتوماسیون)، نقطه سفارش داخل IE، با زمانهای تقلیل یافته اقدام نقطه سفارش در داخل زیر فرآیند IE_P52 قبل از فعالیت تاخیر (D۲۲۱)	سناریوی ۲
۵۷	۲	۵۷	۲	اتوماسیون وضعیت موجود (AS-IS)، بدون اقدام دو زیر فرآیند IE و AC	سناریوی ۳
۱۷۳	۱۳۰	۱۷۹	۱۶۲	اقدام (با اتوماسیون)، نقطه سفارش داخل فرآیند IE، با زمانهای تقلیل یافته اقدام نقطه سفارش در داخل زیر فرآیند IE_P51 قبل از فعالیت تاخیر (D۲۶۱)	سناریوی ۳
۹۷	۶	۱۵۰	۱۲۹	اقدام (با اتوماسیون)، نقطه سفارش داخل فرآیند IE، با زمانهای تقلیل یافته اقدام نقطه سفارش در داخل زیر فرآیند IE_P52 قبل از زیر فرآیند	سناریوی ۳
۸۸	۳	۸۴	۵	اقدام (با اتوماسیون)، نقطه سفارش داخل فرآیند IE، با زمانهای تقلیل یافته اقدام نقطه سفارش در داخل زیر فرآیند IE_P53 قبل از فعالیت تاخیر (D۲۱۱)	سناریوی ۳
—	—	۱۹۲	۱۴۹	اقدام (با اتوماسیون فقط ۳ زیر فرآیند P57 و P58)، نقطه سفارش داخل IE، با زمانهای تقلیل یافته اقدام نقطه سفارش در داخل زیر فرآیند IE_P51 قبل از فعالیت تاخیر (D۲۶۱)	سناریوی ۳
—	—	۲۱۲	۱۲۸	اقدام (با اتوماسیون کلیه فعالیتها دارای قابلیت اتوماسیون)، نقطه سفارش داخل IE، با زمانهای تقلیل یافته اقدام نقطه سفارش در داخل زیر فرآیند IE_P51 قبل از فعالیت تاخیر (D۲۶۱) با جذب نیروی جدید و اتخاد استراتژی (۱-۱-۲-۳-۴)	سناریوی ۳

برای تحلیل این مشکل نیز سناریوهای جدیدی شکل گرفتند و از مکان‌یابی برای یافتن نقطه بهینه‌ای که بهترین تخصیص منابع را دارا باشد، استفاده شد؛ با این تفاوت که این بار برای تعیین فعالیتی که با اتوماسیون آن بتوان باز هم سیستم را بهبود بخشید، صورت گرفت. در نهایت بهترین حالت مربوط به وضعیتی می‌شد که ۲ زیر فرآیند انتهایی (P57 و P58) با هم اتوماسیون شوند. نتیجه این امر با اتخاذ استراتژی تخصیص منابع ۱-۱-۱-۳-۴، تعداد پردازش ۱۹۲ و بنابراین متوسط طول مدت زمان پردازش درخواست ۲۷ روز بوده است.

۸- تحلیل و مقایسه سناریوها

نتایج اجرا و شبیه‌سازی این سناریوها که براساس "تعداد موجودیت پردازش شده کامل" و نیز "تعداد موجودیت نیمه‌کاره موجود در سیستم" در پایان دوره شبیه‌سازی در جدول ۳ ارائه شده است.

۹- انتخاب بهترین سناریو

برای ارزیابی کامل‌تر و دقیق‌تر بین روش‌های پیشنهادی از روش تصمیم‌گیری سلسله مراتبی AHP استفاده شد. در این مرحله پرسشنامه‌هایی برای ارزیابی اهمیت هر فاکتور در اختیار صاحبان اصلی و دست‌اندرکاران فرآیند قرار داده شد تا قضاوت خود را در مورد اهمیت هر فاکتور و با توجه به محدوده این امتیازات که از ۱ تا ۹ می‌باشد، به‌گونه‌ای که ۱ به معنای نه چندان با اهمیت و ۹ به معنای خیلی با اهمیت بوده ارائه نمایند. در ادامه میانگین نمره‌های داده شده برای هر فاکتور محاسبه و سپس نرمال‌سازی شدند که در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۴ امتیاز وزنی هر فاکتور با توجه به نظرات دست‌اندرکاران فرآیند

فاکتور ارزیابی	تعداد موجودیت‌ها	تعداد موجودیت‌ها	زمان سیکل	میزان وابستگی به شبکه و مشتریان (انتظار)	میزان سیکل فرآیند (انتظار)	سطح اتوماسیون	آموزش‌ها	راه‌اندازی	هزینه	هزینه‌های پشتیبانی	هزینه‌های ثابت	هزینه‌های متغیر	میزان رضایتمندی پرسنل
اهمیت هر فاکتور	۲	۹	۹	۳	۴/۵	۱	۲	۱	۲/۵	۱	۲/۵	۲/۵	۳/۵
نوع فاکتور	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ضریب وزنی	۰/۰۵	۰/۲۲۵	۰/۲۲۵	۰/۰۷۵	۰/۱۱۲۵	۰/۰۲۵	۰/۰۲۵	۰/۰۵	۰/۰۲۵	۰/۰۲۵	۰/۰۶۲۵	۰/۰۶۲۵	۰/۰۸۷۵

با توجه به امتیازهای وزنی محاسبه شده برای هر سناریو و هر فاکتور که در جدول ۴ ارائه شده‌اند، امتیاز نهایی هر سناریو با توجه به فرمول زیر محاسبه شد:



ضریب وزنی فاکتور اول * ضریب وزنی سناریو نسبت به فاکتور اول = امتیاز وزنی سناریو + ... + ...

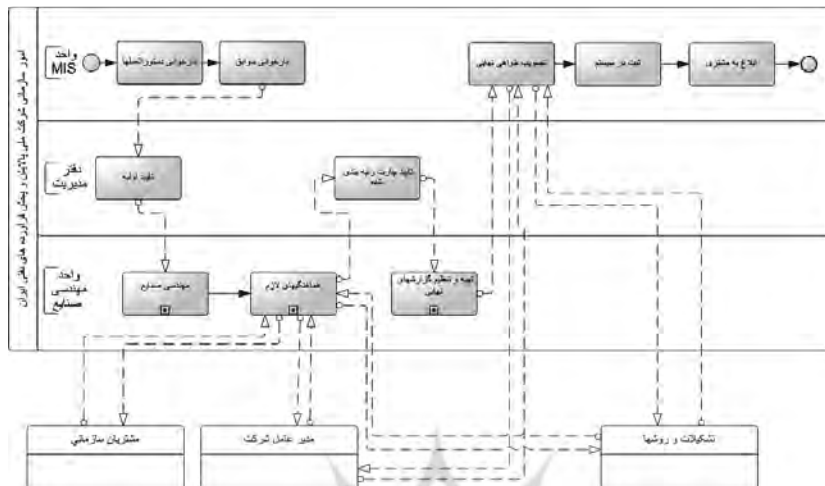
... ضریب وزنی فاکتور دهم * ضریب وزنی سناریو نسبت به فاکتور دهم +

با توجه به فرمول بالا امتیاز وزنی هر سناریو در جدول ۵ ارائه شده است. لازم به ذکر است که در عنوان سناریوها، وضعیت "الف" مربوط به تخصیص منابع به فرم (۱-۱-۱-۳) و وضعیت "ب" مربوط به تخصیص منابع به فرم (۱-۱-۲-۳) می باشد. همان طوری که مشاهده می شود، بالاترین امتیاز مربوط به سناریوی ۳-۶ و سپس سناریوی ۳-۵-الف و ... می باشد. پایین ترین امتیازها نیز به ترتیب مختص سناریوی وضعیت موجود، ۱-۱ و ۲-۱ می باشد.

جدول ۵ مرتب کردن سناریوها براساس امتیازهای وزنی هر سناریو

نام سناریو	سناریو ۶-۳	سناریو ۵-۳	سناریو ۲-۳	سناریو ۲-۲	سناریو ۱-۲	سناریو ۳-۳	سناریو ۳-۲	سناریو ۳-۴	سناریو ۴-۲	سناریو ۳-۲	سناریو ۱-۲	سناریو ۱-۲	سناریو ۲-۲	سناریو ۲-۳	سناریو ۵-۳	سناریو ۶-۳
وضعیت	الف	الف	ب	الف و ب	ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب
وضعیت	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب	الف و ب
اهمیت هر فاکتور	۰/۷۷۷۴۴	۰/۷۵۰۲۷	۰/۷۲۲۲	۰/۷۰۹۲	۰/۶۹۱۴۵	۰/۶۷۶۱	۰/۶۶۰۶۶	۰/۵۵۵۴۴	۰/۵۴۶۱۰	۰/۵۲۶۳	۰/۵۲۸۳	۰/۴۹۹۲	۰/۴۹۳۷	۰/۴۷۶۳	۰/۴۵۱۲	۰/۴۵۱۲

نمودار BPMN سطح ۱ روند اجرای وضعیت مطلوب فرآیند امور سازمانی در شکل ۷ ارائه شده است. همان طور که ملاحظه می شود نسبت به نمودار وضعیت موجود، جریان اطلاعات در آن کاهش چشمگیری داشته است.



شکل ۷ نمودار BPMN سطح یک وضعیت مطلوب فرآیند امور سازمانی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران

۱۰- نتیجه‌گیری

در این مقاله متدولوژی جامع ترکیبی برای مهندسی مجدد فرآیندهای کسب‌وکار با استفاده از روش شبیه‌سازی براساس رویکرد استقرایی کتینجر و همکارانش با استفاده از ۵۱ متدولوژی و رویکرد جدید مهندسی مجدد و نیز ۲۴ متدولوژی و رویکرد شبیه‌سازی گردآوری شده ارائه گردید. متدولوژی به‌دست آمده در مهندسی مجدد فرآیند امور سازمانی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران مورد استفاده، آزمون و اصلاح قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده توانایی آنرا به‌خوبی نشان داد. در آغاز مدل وضعیت موجود این فرآیند به همراه مقدار شاخص‌های مربوط به این وضعیت محاسبه و این مقادیر با مقادیر محاسبه شده برای چندین سناریوی تعریف شده برای مدل وضعیت مطلوب این فرآیند مقایسه و ارزیابی شدند. نتایج این مقایسه‌ها که براساس روش AHP انجام شد، جهت پیشنهاد به مدیریت برای تصمیم‌گیری نهایی تنظیم شدند. به‌طور کلی از این سناریوها می‌توان نتیجه گرفت که ادغام دو زیر فرآیند امور سازمانی به‌طور قطع موجب بهبود شاخص‌های بهبود تعریف شده خواهد بود، زیرا فعالیت‌های زیادی برای هماهنگی فعالیت‌های اصلی این دو زیر فرآیند مورد نیاز است. آنچه ضروری است نحوه ادغام فعالیت‌های این دو زیر فرآیند است که چندین سناریو به این منظور تعریف شدند. نکته



دیگر توجه ویژه به استفاده از فناوری اطلاعات و مکانیزه کردن فعالیت‌های این فرآیند است که تأثیر ویژه‌ای در بهبود شاخص‌های مورد نظر دارد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود در خصوص فعالیت‌هایی که به صورت روزمره و مشابه هم صورت می‌گیرند، از سیستم‌های مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار (BPMS) برای مکانیزاسیون چنین فرآیندهایی استفاده شود. همچنین در این مقاله مزایا و قابلیت‌های استفاده از شبیه‌سازی در طرح‌های مهندسی مجدد ذکر و اهمیت تحلیل پویایی‌های سیستم، به خصوص در مواقعی که برعکس پیش‌بینی‌های مورد انتظار از سیستم باشد، بیان شد.

۱۱- منابع

- [۱] خلج م.; «بالانس و بهینه‌سازی خط مونتاژ موتور در یکی از کارخانه‌های خودروسازی به کمک شبیه‌سازی و متد MRI»؛ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده فنی دانشگاه تهران، تاریخ دفاع: ۱۳۸۲.
- [2] Mahmudi J., Tavakkoli.V.; "Simulation: the best solution for BPR"; Proceeding of the International Modsim Conference, 2003.
- [3] Kettiinger W. J., Teng J.T.C, Guha S.; "Business process change: A study of methodologies, techniques, and tools"; MIS Quarterly, 1997.
- [۴] حق‌نویس م.; «طراحی فراگیر سیستم اطلاعات و سیستم تولید به وسیله شبیه‌سازی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- [5] Aquilar M., Rautert T., J.G.Pater A.; "Business process simulation: A fundamental step supporting process centered management"; Proceeding of 1999 Winter Simulation Conference, USA, 1999.
- [6] Greasley A.; "Using business – process simulation within a business – process reengineering approach"; *Business Process Management Journal*, Vol. 9, No. 4, 2003.
- [7] Gunasekaran A.,Kobu B.; "Modelling and analysis of business process reengineering"; *Taylor & Francis Group*, Vol. 40, No. 11, 2002.
- [8] Hlupic V., Robinson S.; "Business process modeling and analysis using

discrete-event simulation"; Proceeding of the 1998 Winter Simulation Conference, USA, 1998.

[۹] جعفری هرندی س.؛ «مدلسازی و ارزیابی مهندسی مجدد در مدیریت خرید یک واحد تولیدی- تحقیقاتی توسط شبیه‌سازی فرآیند کسب و کار»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده فنی، تاریخ دفاع ۱۳۸۲.

[۱۰] آزاده م. ع.، توکلی مقدم ر.، جعفری هرندی س.؛ «مدلسازی و ارزیابی مهندسی مجدد در مدیریت خرید یک واحد تولیدی- تحقیقاتی توسط شبیه‌سازی فرآیند کسب‌وکار»؛ نشریه دانشکده فنی، جلد ۴۰، شماره ۴، مهر ۸۵.

[۱۱] «مهندسی مجدد چیست؟»، پایگاه جامع مهندسی صنایع، www.ieir.persianblog.ir.

[۱۲] روح‌اللهی محمدرضا، زارعی ب.؛ «مهندسی مجدد سیستم ملی پژوهش و نوآوری سلامت ایران مبتنی بر روشهای ابتکاری»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷.

[۱۳] سپهری م.؛ «بهینه‌کاوای در مهندسی مجدد»؛ فصلنامه علمی پژوهشی شریف، شماره ۳۴، صص ۵۷-۵۱، تابستان ۱۳۸۵.

[۱۴] تاریخ م.ج.، شریفی ا.؛ «ارائه الگویی برای سازماندهی و مدیریت پروژه‌های مهندسی مجدد»؛ پژوهش و سازندگی، تابستان ۱۳۸۵، شماره ۷۱.

[15] Muthu S., Whitman L., Cheraghi S. H.; "Business process reengineering: A consolidated methodology"; *Proceeding of the 4th annual international conference on Industrial Engineering theory, Applications and Practice*, 1999, USA.

[16] Chiplunkar C., Deshmukh S.G, Chattopadhyay R., "Application of principles of event related open systems to business process reengineering", *Computer & Industrial Engineering*, Vol. 45, 2003.

[17] Tatsiopoulos I. P., Panayotou N. A., Ponis S. T.; "A modeling and evaluation methodology for E-Commerces enabled BPR"; *Computer in Industry*, Vol. 49, 2002.



- [18] Yuee S.Y, Junhoung Z.; "A standard methodology for IT-enabled enterprise business process reengineering"; SIMTech Technical Report (MIT/01/027/PDDM), Singapore Institute of manufacturing Technology, 2001.
- [19] Lin F. R., Yang M. C., Pai Y. H.; "A generic structure for business process modeling", *Business Process Management Journal*, Vol. 8, No. 1, 2002.
- [20] Lee K.T., Chuah K. B., "A SUPER methodology for business process improvement - An industrial case study in Hong Kong/China"; *International Journal of Operations & Production Management*, Vol. 21, No. 5/6, 2001.
- [21] Archer R., Bowker P.; "BPR consulting: an evaluation of the methods employed"; *Business Process Re-engineering & Management Journal*, Vol. 1, No. 2, 1995.
- [22] Lin F.R, Yang M.C., Pai Y. H.; "Business process reengineering"; *Business Process Management Journal*, Vol. 8, No. 1, 2002.
- [23] Stoica M., Chawat N., Shin N.; "An investigation of the methodologies of business process reengineering"; Proc ISECON, 2004.
- [24] Vakola M., Rezgui Y.; "Critique of existing business process reengineering methodologies :The development and implementation of a new methodology"; *Business Process Management Journal*, Vol 6, No 3, 2000, pp238-250.
- [25] TSI; "TCI's Procwss Improvement and change management methodology"; 2007 Transforming Solution, Inc.
- [26] HCL; "Business Process Re-engineering methodology"; HLC Inc, 2008.
- [27] Greasley A., Barlow S., "Using simulation modelling for BPR: resource allocation in a police custody process"; *International Journal of Operations & Production Management*, Vol. 18, No 9/10, 1998.
- [28] Kettiinger W.J., Teng J.T.C, Guha S.; "Business process change: A study of methodologies, Techniques and Tools"; *MIS Quarterly*, 1997.
- [29] Akbarpour M, Parsaiyan M, Tahsiri A. R.;"Revised P3IEI Methodology for Organizational Process Reengineering in Complex Environment"; *IAENG*

International Conference on Industrial Engineering ICINDE 2008.

[۳۰] مؤمنی م.، زارعی ب.، اسماعیلیان م.؛ «تجزیه و تحلیل کارایی یک سیستم تولیدی به کمک مدل شبیه‌سازی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های مدیریت در

ایران، دوره ۱۰، ش ۴، زمستان ۱۳۸۵.

- [31] Serrano A., Hengast M. ; "Modelling the integration of BP and IT using business process simulation"; *Journal of Enterprise Information Management*, Vol. 18, No. 6, 2005.
- [32] Nagarajan K.V, Chavan M., Tewoldeberhan T.W., Vial P.J., Srivalli V.N., "SIMCTS: A simulation based approach to understand and manage service quality"; Australia.
- [33] Eldabi T., Irani Z, Paul R. J., Love P.e.d.; "Quntitative and qualitative decision-making methods in simulation modeling", *Management Decision*, Vol. 40, No 1, 2002.
- [34] Lehtonen J. M., Seppala U.; "A methodology for data gathering and analysis in a logistics simulation project"; *Integrated manufacturing Systems*, Vol. 8, No. 6, 1997.
- [35] Lam K., Lau R.S.M.; " A simulation approach to restructuring call centers"; *Business Process Management Journal*, Vol.10, No. 4, 2004.
- [36] Baldwin L. P., Eldabi T., Paul R. J.; " Business process design: Flexible modelling with multiple levels of detail"; *Business Process Management Journal*, Vol. 11, No. 1, 2005.
- [37] Barber K. D., Dewhurst F.W., Burns R. L. D. H., Rogers J. B. B.; " Business-process modelling and simulation for manufacturing management"; *Business Process Management Journal*, Vol. 9, No. 4, 2003.
- [38] Rustom R. N.; " Estimating productivity using simulation A case study of Gaza beach embankment protection project"; *Construction Innovation*, Vol. 7, No 2, 2007.



- [39] Kumar S., Phrommathed P.; "Improving a manufacturing process by mapping and simulation of critical operations"; *Journal of Manufacturing Technology Management*, Vol. 17, No 1, 2006.
- [40] Fowler A.; "Operations management and systemic modelling as frameworks for BPR"; *International Journal of Operations & Production Management*, Vol. 18, No. 9/10, 1998.
- [41] Spedding T.A., Chan K. K.; "System level improvement using discrete event simulation"; *International Journal of Quality & Reliability Management*, Vol. 18, No. 1, 2001.
- [42] Greasley A., Barlow S.; "Using simulation modelling for BPR: resource allocation in a police custody process"; *International Journal of Operations & Production Management*, Vol. 18, No. 9/10, 1998.
- [43] CACI Inc; "BPR Methodology"; CACI Inc, 2005.

